

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان

یس~ (1)

یا سین (1)

وَ الْقُرْآنِ الْحَكِيمِ (2)

قسم به قرآن با حکمت. (2)

إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ (3)

هر آئینه تو از پیغمبرانی. (3)

عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (4)

بر راه راستی. (4)

تَنْزِيلَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ (5)

فرود فرستادن (خدای) غالب، با رحم. (5)

لِنُنذِرَ قَوْمًا مَّا أُنذِرَ ءَابَاؤُهُمْ فَهُمْ غَافِلُونَ (6)

تا بترسانی قومی را که نشده بودند ترسانده پدران ایشان پس ایشان اند بی خبران. (6)

لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلَىٰٓ أَكْثَرِهِمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (7)

البته به یقین ثابت شد سخن بر بسیاری ایشان پس ایشان نمی آورند ایمان. (7)

إِنَّا جَعَلْنَا فِيٓٔ أَعْنَاقِهِمْ أَغْلَالًا فَهِيَ إِلَى الْأُنْقَابِ فَهُمْ مُمْمَحُونَ (8)

هر آئینه ما قرار دادیم در گردن های ایشان طوقها پس آنها اند تا زنج ها پس ایشان سر بالا کرده گانند. (8)

وَ جَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَ مِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَعْشَيْنَا لَهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ (9)

و ساختیم میان دست های ایشان دیواری و از پس پشت ایشان دیواری پس پوشیدیم ایشان را

پس ایشان هیچ نمی بینند. (9)

و سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ ءَأَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (10)

و برابر است برایشان که آیا بیم کنی ایشان را یا نکنی بیم ایشان را، نمی آورند ایمان.

(10)

إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَ خَشِيَ الرَّحْمَنَ الْعَلِيمَ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ كَرِيمٍ (11)

جز این نیست که می ترسانی کسی را که پیروی کرد پند را و ترسید از خدا نادیده. پس
مژده ده او را به آمرزش و مزد گرامی. (11)

إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَ نَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَ ءَاثِرَهُمْ وَ كُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ (12)

هر آینه ما زنده می گردانیم مردگان را و مینویسیم آنچه پیش فرستادند و (می نویسیم) نقش
اقدام ایشان را. و هر چیزی را احاطه کردیم ما آن را در کتابی روشنی. (12)

وَ اضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا أَصْحَابَ الْقَرْيَةِ إِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ (13)

و بیان کن برای ایشان داستان اهل شهری را چون آمد به آنجا پیغمبران. (13)

إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ فَقَالُوا إِنَّا إِلَيْكُمْ مُّرْسَلُونَ (14)

چون فرستادیم ما بسوی ایشان دو کس را پس به دروغ نسبت کردند هر دو را پس تقویت
نمودیم ما با سوم، پس گفتند: هر آینه ما بسوی شما فرستاده گانیم. (14)

قَالُوا مَا أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا وَ مَا أَنْزَلَ الرَّحْمَنُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَكْذِبُونَ (15)

گفتند: نیستید شما مگر آدمی مانند ما و نفرستاده است فرود الرحمن هیچ چیزی، نیستید شما
مگر به دروغ نسبت می کنید. (15)

قَالُوا رَبَّنَا عَلَّمْنَا إِنْ أَنَا إِلَيْكُمْ لَمُرْسَلُونَ (16)

گفتند: پروردگار ما میداند که هر آینه ما بسوی شما البته فرستاده گانیم. (16)

وَ مَا عَلَيْنَا إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ (17)

و نیست بر ما مگر پیغام رسانیدن روشن. (17)

قَالُوا إِنَّا تَطَيَّرْنَا بِكُمْ ^{صلى} لَئِن لَّمْ تَنْتَهُوا لَنَرْجُمَنَّكُمْ وَ لَيَمَسَّنَّكُم مِّنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ (18)

گفتند: هر آینه ما شگون بد گرفتیم به شما؛ البته اگر باز نه آمدید البته سنگسار کنیم شما را و البته برسد به شما از جانب ما عقوبتی درد دهنده ئی. (18)

قَالُوا طَائِرُكُم مَّعَكُمْ أَئِن ذُكِّرْتُم بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ (19)

گفتند: شگون بد شما همراه شما است. آیا اگر پند داده شود شما را (بر شگون بد حمل کنید؟). بلکه شما گروهی از حد گذشته گانید. (19)

وَ جَاءَ مِنْ أَقْصَا الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى قَالَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ (20)

و آمد از دور ترین محل آن شهر مردی شتابان، گفت: ای قوم من پیروی کنید پیغمبران را. (20)

اتَّبِعُوا مَن لَّا يَسْأَلُكُمْ أَجْرًا وَ هُمْ مُّهْتَدُونَ (21)

پیروی کنید کسی را که نمی طلبد از شما مزدی و ایشان راه یافته گانند. (21)

وَ مَا لِي لَا أَعْبُدُ الَّذِي فَطَرَنِي وَ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (22)

و چیست مرا که عبادت نکنم آنکه بیافرید مرا و به سوی او بازگردانیده می شوید. (22)

ءَأَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِ ءَالِهَةً إِن يُرِدِنِ الرَّحْمَنُ بِضُرٍّ لَّا تُغْنِي عَنْهُ شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا وَ لَّا يُنْفَعُونَ (23)

آیا بگیرم از غیر او معبودانی؟ اگر بخواهد الرحمن در حق من زیانی، دفع نکند از من شفاعت ایشان چیزی را و نه ایشان خلاص کنند مرا. (23)

إِنِّي إِذَا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (24)

هر آینه من آنگاه البته در گمراهی آشکاری باشم. (24)

إِنِّي ءَأَمَنْتُ بِرَبِّكُمْ فَاسْمَعُونِ (25)

هر آینه من ایمان آوردم به پروردگار شما پس بشنوید از من. (25)

فَإِن لَّا ادْخُلِ الْجَنَّةَ ^{صلى} قَالَ يَلَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ (26)

گفته شد (او را) درآی به بهشت. گفت: ای کاش قوم من میدانستند. (26)

بِمَا غَفَرَلِي رَبِّي وَ جَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ (27)

که به چه چیز بیمارزید مرا پروردگار من و ساخت مرا از نواخته گان. (27)

وَ مَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ قَوْمِهِ مِن بَعْدِهِ مِنْ جُنْدٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ مَا كُنَّا مُنْزِلِينَ (28)

و فرود نیاوردیم ما بر قوم او از بعد او هیچ لشکری از آسمان و نیستیم ما فرود آورنده گان.
(28)

إِن كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ خَامِدُونَ (29)

نبود (عقوبت ایشان) مگر فریاد تندی یگانه ئی پس ناگهان ایشان چون آتش فرو مرده شدند.
(29)

يَحْسِرَةَ عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِّن رَّسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ (30)

ای وای بر بندگان. نمی آید به ایشان از پیغمبری مگر بودند به اوتمسخر می کردند. (30)

أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم مِّنَ الْقُرُونِ أَنَّهُمْ إِلَيْهِمْ لَا يَرْجِعُونَ (31)

آیا نه دیدند چه قدر هلاک ساختیم ما پیش ایشان از نسل ها آنکه آن جماعت ها به سوی ایشان باز نمی آیند؟ (31)

وَ إِن كُلُّ لَمَّا جَمِيعٌ لَّدَيْنَا مُحْضَرُونَ (32)

و نیست همه مگر جمع آورده نزد ما حاضر کرده شده گان. (32)

وَ آيَةٌ لَهُمُ الْأَرْضُ الْمَيْتَةُ أَحْيَيْنَاهَا وَ أَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا فَمِنْهُ يَأْكُلُونَ (33)

و نشانه است برای ایشان زمین مرده، زنده گردانیدیم ما آن را و بیرون آوردیم ما از آن دانه پس از آن (دانه) میخورند. (33)

وَ جَعَلْنَا فِيهَا جَنَّاتٍ مِّن نَّخِيلٍ وَ أَعْنَابٍ وَ فَجَّرْنَا فِيهَا مِنَ الْعُيُونِ (34)

و ساختیم ما در آن (زمین) بوستان ها از درختان خرما و درختان انگور و روان ساختیم ما در آن ها (بوستان ها) از چشمه ها. (34)

لِيَأْكُلُوا مِن ثَمَرِهِ وَ مَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ أَفَلَا يَشْكُرُونَ (35)

تا بخورند از میوه آن و نساخته است آن را (میوه را) دست های ایشان؛ آیا پس سپاس گذاری نمی کنند؟ (35)

سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ (36)

پاک است آنکه آفرید جوره ها همه را از آنچه میرویانندش زمین و از خود شان و از آنچه ایشان نمی دانند. (36)

وَ آيَةٌ لَهُمُ اللَّيْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ فَإِذَا هُمْ مُظْلِمُونَ (37)

و نشانه است برای ایشان شب، پوست می کشیم از او روز را پس ناگهان ایشان در تاریکی (آینده گان) باشند. (37)

وَ الشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ۚ ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ (38)

و آفتاب می رود به (راهی) قرارگاه برای او. این است اندازه خدای غالب، دانا. (38)

وَ الْقَمَرَ قَدَرْنَاهُ مَنَازِلَ حَتَّىٰ ۖ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ (39)

و مهتاب را مقرر کردیم برای او منزل ها تا آنکه باز گشت کرد مانند چوب خوشه خرما، کهنه. (39)

لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَ لَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ ۚ وَ كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ (40)

نه آفتاب می سزد برای او آنکه در یابد مهتاب را و نه شب سبقت کننده است بر روز. و هر یکی در مداری شنا می کنند. (40)

وَ آيَةٌ لَهُمْ أَنَّا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفَلَكِ الْمَشْحُونِ (41)

و نشانه است برای ایشان آنکه ما حمل کردیم نسل ایشان را در کشتی پر کرده شده. (41)

وَ خَلَقْنَا لَهُمْ مِنْ مِثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ (42)

و آفریدیم ما برای ایشان مانند آن (کشتی) آنچه سوار می شوند بر آن. (42)

وَ إِن نَّشَأْ نُغْرِقْهُمْ فَلَا صَرِيخَ لَهُمْ وَ لَا هُمْ يُنْقَذُونَ (43)

و اگر خواهیم غرق کنیم ایشان را پس نباشد هیچ فریادرس برای ایشان و نه ایشان رها کرده می شوند. (43)

إِلَّا رَحْمَةً مِنَّا وَمَتَّعًا إِلَىٰ حِينٍ (44)

مگر رحمتی از جانب ما و بهره مندی تا مدتی. (44)

وَ إِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّقُوا مَا بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَ مَا خَلْفَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (45)

و چون گفته شد ایشان را که بترسید از آنچه پیش دستهای شما باشد و از آنچه پس پشت شما باشد تا بود شما رحم کرده شوید. (45)

وَ مَا تَأْتِيهِمْ مِّنْ آيَةٍ مِّنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ (46)

و نمی آید به ایشان هیچ نشانه از نشانه های پروردگار ایشان مگر بودند از آن روگردانان. (46)

وَ إِذَا قِيلَ لَهُمُ أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا أَمْ أَنْطِغِمُ مَنْ لَّو يَشَاءُ

أَطْعَمَهُ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (47)

و چون گفته شد برای ایشان: خرچ کنید از آنچه روزی داده است شما را خدا گفت آنانکه نامعتقد شدند برای آنانکه ایمان آوردند: آیا طعام دهیم کسی را که اگر (خدا) میخواست طعام میداد او را؟ نیستید شما مگر در گمراهی آشکار. (47)

وَ يَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (48)

و می گویند (نامعتقدان): چه وقت باشد این وعده اگر هستید راست گویان؟ (48)

مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَ هُمْ يَخِصِّمُونَ (49)

انتظار نمی کشند مگر نعره تندی را یگانه، بگیرد ایشان را و ایشان خصومت کنان باشند. (49)

فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً وَ لَا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ (50)

پس نمی توانند وصیت کردن و نه به اهل خود باز می گردند. (50)

وَ نُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ (51)

و دمیده شود در صور، پس ناگهان ایشان از قبر ها به سوی پروردگار خویش می شتابند. (51)

قَالُوا يَبْوِيلْنَا مَنْ بَعَثْنَا مِنْ مَرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ (52)

گفتند: ای وای بر ما که برخیزانید ما را از خوابگاه ما؟ این است آنچه وعده داد الرحمن و راست گفتند پیغمبران. (52)

إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ (53)

نباشد (این واقعه) مگر نعره تندی یگانه ئی پس ناگهان ایشان همه نزد ما حاضر کرده شده باشند. (53)

فَالْيَوْمَ لَا تَظْلُمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَلَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (54)

پس امروز نشود ستم کسی را چیزی و نه جزا داده شوید مگر آنچه بودید می کردید. (54)

إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي شُغْلٍ فَكَاهُونَ (55)

هر آئینه اهل بهشت امروز در کاری هستند، شادانند. (55)

هُمْ وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظَلَالٍ عَلَى الْأَرَائِكِ مُتَّكِنُونَ (56)

ایشان و زنان ایشان در سایه ها بر تخت ها تکیه کننده گان. (56)

لَهُمْ فِيهَا فَكِهَةٌ وَلَهُمْ مَّا يَدَّعُونَ (57)

ایشان را است در آن جا میوه و ایشان را است آنچه طلب می کنند. (57)

سَلَامٌ قَوْلًا مِّن رَّبِّ رَحِيمٍ (58)

سلام باد سخنی از جانب پروردگار با رحم. (58)

وَامْتَرُوا الْيَوْمَ أَيُّهَا الْمُجْرِمُونَ (59)

و (بگوئیم) جدا شوید امروز ای گناه کاران. (59)

أَلَمْ أَعْهَدْ لَكُمْ يَبْنَىءَ ءَادَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ (60)

آیا نیستم پیمان (حکم نفرستاده بودم) به سوی شما ای اولاد آدم آنکه نپرستید شیطان را؛ هر آئینه او برای شما دشمن آشکار است. (60)

وَ أَنْ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ (61)

و آنکه بپرستید مرا. این است راه راست. (61)

و لَقَدْ أَضَلَّ مِنْكُمْ جِبِلًّا كَثِيرًا ^{اصلى} أَلَمْ تَكُونُوا تَعْقِلُونَ (62)

و البته به یقین گمراه ساخت (شیطان) از شما گروه های بسیار را. آیا پس نبودید که بیاندیشید؟ (62)

هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ (63)

این است دوزخ، آنکه بودید شما وعده داده می شدید. (63)

اصْلَوْهَا الْيَوْمَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ (64)

در آئید در آن امروز به سبب آنکه بودید شما نامعتقدی می کردید. (64)

الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ- أَفْوَاهِهِمْ وَ تَكَلُّمًا أَيْدِيهِمْ وَ تَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (65)

امروز مهر می نهیم ما بر دهان های ایشان و سخن گوید با ما دست های ایشان و گواهی دهد پا های ایشان به آنچه بودند به دست می آوردند. (65)

وَ لَوْ نَشَاءُ لَطَمَسْنَا عَلَىٰ- أَعْيُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ فَأَنَّىٰ يُبْصِرُونَ (66)

و اگر خواهیم البته نابود کنیم چشم های ایشان را پس شتاب کردند (بسوی) راه پس چگونه می بینند؟ (66)

وَ لَوْ نَشَاءُ لَمَسَخْنَاهُمْ عَلَىٰ مَكَانَتِهِمْ فَمَا اسْتَبَقُوا مُضِيًّا وَ لَا يَرْجِعُونَ (67)

و اگر خواهیم البته مسخ کنیم ایشان را بر جای های ایشان پس نتوانستند گذشتن از آنجا و نه بر می گردند. (67)

وَ مَنْ تُعَمِّرُهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ ^{اصلى} أَ فَلَا يَعْقِلُونَ (68)

و کسی را که عمر دراز میدهم او را، نگونسار می کنیم او را در آفرینش؛ آیا پس در نمی یابند؟ (68)

وَ مَا عَلَّمْنَاهُ الشُّعْرَ وَ مَا يَنْبَغِي لَهُ ^ج إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَ قُرْءَانٌ مُّبِينٌ (69)

و نیاموختیم ما او (پیغمبر) را شعر را و نیست شائسته برای او. نیست آن مگر پند و قرآن آشکارا. (69)

لِيُنذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا وَ يَحِقَّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ (70)

تا بترساند کسی را که است زنده و ثابت شود سخن بر نامعتقدان. (70)

أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَا لَهُمْ مِمَّا عَمِلَتْ أَيْدِينَا أَنْعَمًا فَهُمْ لَهَا مَالِكُونَ (71)

آیا ندیدند اینکه ما آفریدیم برای ایشان از آنچه ساخته است دست های ما چهار پایان را پس ایشان برای آن ها صاحبانند؟ (71)

وَ دَلَّلْنَاهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ وَ مِنْهَا يَأْكُلُونَ (72)

و رام ساختیم آنها (چهار پایان) را برای ایشان پس بعضی از آن ها سواری ایشان اند و از بعضی آنها می خورند. (72)

وَ لَهُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَ مَشَارِبٌ صلى أَ فَلَا يَشْكُرُونَ (73)

و برای ایشان است در آنها (چهار پایان) منفعت ها و آشامیدنی ها؛ آیا پس سپاس گذاری نمی کنند؟ (73)

وَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ ءَالِهَةً لَّعَلَّهُمْ يُنصَرُونَ (74)

و گرفتند به غیر خدا معبودان را تا باشد که ایشان یاری داده شوند. (74)

لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَهُمْ وَ هُمْ لَهُمْ جُنْدٌ مُّحْضَرُونَ (75)

نتوانند (معبودان) یاری بدهند ایشان را و ایشان (پرستنده گان) برای آن ها (معبودان) لشکر های حاضر کرده شده باشند. (75)

فَلَا يَحْزُنكَ قَوْلُهُمْ إِنَّا نَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَ مَا يُعْلِنُونَ (76)

پس اندوهگین نکند ترا سخن ایشان. هر آئینه ما میدانیم آنچه پنهان می کنند و آنچه آشکار می نمایند. (76)

أَوْ لَمْ يَرَ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُّبِينٌ (77)

آیا ندیده است آدمی اینکه ما آفریدیم او را از نطفه ئی پس ناگهان او خصومت کننده آشکار شد. (77)

وَ ضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَ نَسِيَ خَلْقَهُ صلى قَالَ مَنْ يُحْيِ الْعِظْمَ وَ هِيَ رَمِيمٌ (78)

و زد برای ما مثالی و فراموش کرد آفرینش خود را. گفت: که زنده می کند استخوان ها را و آنها کهنه و فرسوده باشند؟ (78)

قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ ۚ وَ هُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ (79)

بگو: زنده می کند آن را آنکه آفرید او را نخستین بار. و او به هر قسم آفرینش دانا است. (79)

الَّذِي جَعَلَ لَكُم مِّنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنْتُمْ مِّنْهُ تُوقَدُونَ (80)

آنکه ساخت برای شما از درخت سبز آتشی پس ناگهان شما از آن درخت آتش می افروزید. (80)

أَو لَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِقَدِيرٍ ۚ عَلَىٰ ۚ أَن يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلَىٰ ۚ وَ هُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ (81)

آیا نیست آنکه آفرید آسمان ها و زمین را توانا بر این که بیافریند مانند ایشان را؟ بلی و او است آفریننده دانا. (81)

إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَن يَقُولَ لَهُ ۚ كُنْ فَيَكُونُ (82)

جز این نیست که فرمان او چون خواست چیزی را آنکه می گوید برای او بشو پس می شود. (82)

فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ ۚ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (83)

پس پاک است آنکه به دست او است پادشاهی هر چیز و به سوی او باز گردانیده می شوید. (83)